

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Challenges in Refugees' and Asylum Seekers' Access to Legal Representation in the Criminal Justice System

Ali Asghar Zarei¹, Gholamreza Peivandi^{*2}, Hydarali Jahanbakhshi³

1. Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Department of Law, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran

3. Department of Law, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran

* Corresponding Author's Email: peyvandi@iict.ac.ir

ABSTRACT

The importance of access to legal representation for refugees and asylum seekers within the criminal justice system is undeniable. This article, employing a descriptive and analytical method and based on a review of library-based sources, explores the barriers and challenges present in this area. The primary aim of the research is to identify the factors that hinder effective access to legal services for these groups. The findings reveal that major challenges include legal discontinuities, language barriers, lack of awareness regarding legal rights and responsibilities, and financial constraints, all of which often prevent refugees and asylum seekers from adequately defending their rights. Furthermore, insufficient knowledge about legal procedures and the absence of social support also exacerbate this condition. Enhancing governmental support, providing legal professionals and attorneys with training in refugee law, and offering translation services can help mitigate linguistic and legal barriers, and by facilitating access to justice, strengthen the protection of human rights and legal security for these vulnerable populations.

Keywords: Refugees, Asylum Seekers, Legal Representation, Criminal Justice System, Human Rights.

How to cite: Zarei, A. A., Peivandi, G., & Jahanbakhshi, H. (2024). Challenges in Refugees' and Asylum Seekers' Access to Legal Representation in the Criminal Justice System. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(4), 159-176.



تاریخ ارسال: ۱۶ آبان ۱۴۰۳
تاریخ بازنگری: ۳ دی ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۵ دی ۱۴۰۳
تاریخ چاپ: ۲۹ دی ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

چالش‌های دسترسی پناهندگان و پناهجویان به خدمات وکالت در نظام عدالت کیفری

علی اصغر زارعی^۱، غلامرضا پیوندی^{۲*}، حیدر علی جهانبخشی^۳

۱. گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۲. گروه فقه و حقوق، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران
۳. گروه فقه و حقوق، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: peyvandi@iict.ac.ir

چکیده

اهمیت دسترسی به خدمات وکالت برای پناهندگان و پناهجویان در نظام عدالت کیفری غیرقابل انکار است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با مطالعه منابع کتابخانه‌ای به بررسی موانع و چالش‌های موجود در این حوزه می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق شناسایی عواملی است که مانع از دسترسی مؤثر این گروه‌ها به خدمات حقوقی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های اساسی شامل گسست‌های قانونی، مشکلات زبانی، عدم آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های حقوقی، و محدودیت‌های مالی هستند که باعث می‌شود پناهندگان و پناهجویان اغلب نتوانند به درستی از حقوق خود دفاع کنند. همچنین، فقدان اطلاعات کافی درباره فرآیندهای حقوقی و عدم حمایت‌های اجتماعی نیز بر این وضعیت تأثیرگذار است. افزایش حمایت‌های دولتی، آموزش وکلا و متخصصان در زمینه حقوق پناهندگان، و ارائه خدمات ترجمه می‌توانند به کاهش موانع زبانی و حقوقی کمک کنند و با تسهیل دسترسی به عدالت، حقوق بشر و تأمین امنیت قانونی این گروه‌های آسیب‌پذیر را تقویت نمایند.

کلیدواژگان: پناهندگان، پناهجویان، خدمات وکالت، نظام عدالت کیفری، حقوق بشر.

نحوه استناددهی: زارعی، علی اصغر، پیوندی، غلامرضا، و جهانبخشی، حیدر علی. (۱۴۰۳). چالش‌های دسترسی پناهندگان و پناهجویان به خدمات وکالت در نظام عدالت کیفری. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۴)، ۱۷۶-۱۵۹.



شرایط پیچیده و نوظهور خود، اطلاعات کافی در مورد حقوق و خدمات قانونی موجود ندارند. به علاوه، مشکلات زبانی و فرهنگی نیز مانع از برقراری ارتباط مؤثر با وکلا و نهادهای قانونی می‌شود. این مشکلات می‌تواند منجر به احساس ناامنی و عدم اطمینان در میان این گروه‌ها شود. از سوی دیگر، گسست‌های قانونی و نبود قوانین مشخص در کشورهای میزبان در رابطه با حقوق پناهندگان و پناهجویان نیز مزید بر علت است. در بسیاری از موارد، عدم تطابق قوانین داخلی با معاهدات بین‌المللی، موجب می‌شود که این گروه‌ها از حمایت‌های لازم برخوردار نشوند. چالش‌های دیگری نیز مانند موانع مالی وجود دارد. بسیاری از پناهندگان و پناهجویان به دلیل وضعیت اقتصادی نابسامان خود، توانایی پرداخت هزینه‌های وکالت را ندارند. این موضوع نه تنها بر روی کیفیت خدمات دریافتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند منجر به عدم درخواست برای خدمات قانونی نیز شود. در برخی موارد، پناهندگان به دلایل اجتماعی و فرهنگی از جستجوی کمک حقوقی منصرف می‌شوند، چراکه ممکن است تصور کنند که نگاه منفی جامعه به آن‌ها بر روند دعاوی قانونی تأثیر خواهد گذاشت. این مقاله با توجه به چالش‌های پیش‌رو، به بررسی تجربیات پناهندگان و پناهجویان در دسترسی به خدمات وکالت می‌پردازد. ما در این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های موجود، موانع و چالش‌های دسترسی این گروه‌ها به خدمات وکالت را شناسایی و تجزیه و تحلیل خواهیم کرد. همچنین، در این مقاله به بررسی راهکارهای ممکن برای بهبود دسترسی این گروه‌های آسیب‌پذیر به خدمات وکالت و مشاوره حقوقی پرداخته می‌شود.

۱. چالش‌ها

دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی مؤثر یکی از عناصر کلیدی در نظام‌های عدالت کیفری است که به پناهندگان و پناهجویان، امکان می‌دهد از حقوق خود دفاع کنند و در فرآیندهای قانونی به‌درستی

پناهندگان و پناهجویان به عنوان دو گروه آسیب‌پذیر در جوامع مدرن به شمار می‌روند که به دلایل مختلف از جمله جنگ، خشونت، نقض حقوق بشر و شرایط نامناسب اقتصادی مجبور به ترک کشور خود می‌شوند. پناهجو به فردی اطلاق می‌شود که به دنبال حمایت بین‌المللی از یک کشور دیگر است و هنوز وضعیت او به‌طور رسمی تأیید نشده است. در حالی که پناهنده بر اساس تعریف سازمان ملل، شخصی است که به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی یا تعلق به یک گروه خاص اجتماعی، از کشور خود فرار کرده و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آنجا بازگردد (Mousazadeh & Azarpendar, 2018). این دو گروه معمولاً برای یافتن امنیت و آرامش به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند (Asylum Seeker Resource Centre, 2021) و در این فرآیند، با چالش‌های جدی در دسترسی به حقوق و خدمات مختلف مواجه می‌شوند. نظام عدالت کیفری به مجموعه‌ای از قوانین، نهادها و فرآیندهایی اطلاق می‌شود که هدف آن حفظ نظم و امنیت عمومی و ارائه عدالت در قبال جرایم ارتكابی است (Siegel, 2016). این نظام شامل سیستم‌های پلیس، دادگاه‌ها و نهادهای اصلاحی است که وظیفه آن‌ها تأمین حقوق شهروندان و تصویب قوانین عادلانه می‌باشد (Clear & Frost, 2015). خدمات وکالت به عنوان یکی از ارکان اساسی این نظام، نقش مهمی در ضمانت حقوق فردی و اجتماعی افراد دارد. وکلا با ارائه مشاوره‌های حقوقی، نمایندگی قانونی و دفاع در برابر اتهامات، به افراد کمک می‌کنند تا از حقوق خود دفاع کنند و در مقابل نقض حقوقشان ایستادگی کنند. برای پناهندگان و پناهجویان، دسترسی به خدمات وکالت می‌تواند به معنای حفظ حق زندگی، امنیت و تأمین اجتماعی باشد. با این حال، پناهنده‌ها و پناهجویان در دسترسی به خدمات وکالت با چالش‌های متعددی مواجه هستند. یکی از اولین و بزرگ‌ترین موانع، عدم آگاهی از حقوق است. بسیاری از پناهندگان به دلیل

نمایندگی شوند (McConnachie, 2015). در حالی که معاهدات بین‌المللی بر حق برخورداری از مشاوره حقوقی تأکید دارند، واقعیت‌های عملی نشان می‌دهد که بسیاری از پناهندگان و پناهجویان از این حق محروم می‌شوند و این موضوع ریشه در چالش‌های متفاوتی به شرح زیر دارد

عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در دسترسی

پناهندگان و پناهجویان بر اساس چندین کنوانسیون و معاهده بین‌المللی حق دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی را دارند. کنوانسیون ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱) در ماده ۱۶ حق پناهندگان در دسترسی به دادگاه‌ها و خدمات حقوقی را تضمین می‌کند (Tsourdi et al., 2015). بر اساس این ماده، هر پناهنده حق دارد در برابر مقامات قضایی به دفاع از حقوق خود بپردازد و از خدمات حقوقی بهره‌مند شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ حق هر فرد در فرآیندهای قضائی را برای دسترسی به وکیل و حمایت‌های قانونی تأکید می‌کند. بنابراین، پناهندگان نیز تحت پوشش این حق قرار می‌گیرند و باید امکان دفاع از خود را در برابر اتهامات قانونی داشته باشند.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۲ (۱) بر حق دستیابی به خدمات کافی و مؤثر در نظام‌های قانونی تأکید دارد که شامل دسترسی به مشاوره حقوقی نیز می‌شود. کنوانسیون ضد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده^۱ نیز در ماده ۲ (۱) به دولت‌ها دستور می‌دهد که اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکنجه و سوء رفتار انجام دهند که از جمله این اقدامات، تضمین دسترسی به مشاوره حقوقی مؤثر می‌باشد. همچنین رهنمودهای کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان و به‌ویژه، رهنمود شماره ۹ (۱۹۹۶) تحت عنوان «گزارش مشاوره حقوقی برای پناهندگان» بر این نکته تأکید می‌کند که پناهندگان باید به وکیل دسترسی داشته باشند تا

بتوانند از حقوق خود به‌طور مؤثر دفاع کنند. این اسناد و مواد نشان‌دهنده تعهدات بین‌المللی در رابطه با حق دسترسی پناهندگان به وکیل و مشاوره حقوقی هستند و بر این واقعیت تأکید دارند که دولت‌ها مسئول فراهم آوردن این حقوق برای پناهندگان هستند. با این حال، در بسیاری از کشورها، این حقوق به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. برخی از کشورها به دلیل فقدان ساختارهای قانونی مناسب یا عدم وجود بودجه کافی، نتوانسته‌اند خدمات حقوقی مؤثری برای پناهندگان و پناهجویان فراهم کنند (Keyhanlou, 2011). حتی زمانی که قوانین موجود به‌روشنی حق دسترسی به وکیل را تأمین می‌کنند، در عمل بسیاری از پناهندگان هنوز نمی‌توانند به این خدمات دسترسی پیدا کنند.

موانع فرهنگی و زبانی

زبان و فرهنگ نیز از دیگر موانع اصلی در دستیابی به خدمات حقوقی مؤثر برای پناهندگان هستند. بسیاری از پناهندگان به زبانی غیر از زبان رسمی کشور میزبان صحبت می‌کنند و این موضوع می‌تواند به تداخلات زبانی و عدم درک صحیح از سیستم حقوقی و فرآیندهای قانونی منجر شود. دسترسی به وکیلان یا مشاوران حقوقی که توانایی ارتباط با پناهندگان به زبان مادری آن‌ها را داشته باشند، در بسیاری از موارد محدود است.

عدم وجود شبکه‌های حمایتی

در سطح بین‌المللی، شبکه‌های حمایتی برای کمک به پناهندگان در یافتن وکیل یا مشاوره حقوقی کافی وجود ندارد. (Blake, 2020). نهادهای غیردولتی متعددی در این زمینه فعالیت می‌کنند، اما این شبکه‌ها در بسیاری از کشورها چنانکه باید سازمان‌دهی شده نیستند و در نتیجه پناهندگان و پناهجویان در بحران و عدم آگاهی از گزینه‌های خود می‌مانند (Simeon, 2010). فقدان شبکه‌های حمایتی چالش مهمی در تضمین حق دسترسی است.

¹ Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

ناتوانی نظام‌های ملی در تأمین حق بر دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی

نظام‌های قانونی در بسیاری از کشورها نه تنها نتوانسته‌اند به نیازهای پناهندگان و پناهجویان پاسخ دهند، بلکه به دلیل پیچیدگی فرآیندها و کمبود مشاوره‌های حقوقی، پناهندگان و پناهجویان را در وضعیت بلا تکلیفی قرار می‌دهند. فرآیند ثبت نام درخواست‌ها و مراحل رسیدگی معمولاً طولانی و مبهم هستند و این باعث سرخوردگی و ناامیدی پناهندگان می‌شود.

یک مشکل عمده در بسیاری از سیستم‌های حقوقی این است که وکلای متخصص در زمینه حقوق پناهندگی و حقوق بشر به ندرت یافت می‌شوند. این کمبود تخصص باعث می‌شود که پناهندگان و پناهجویان نتوانند به خوبی از حقوق خود دفاع کنند و در بسیاری از موارد، وکلای عمومی که به صورت رایگان خدمات ارائه می‌دهند، با حجم بالای کار و کمبود زمان برای رسیدگی به پرونده‌های متعدد مواجه هستند (Tazreiter & Weber, 2021).

بسیاری از پناهندگان و پناهجویان به دلیل وضعیت مالی ناپایدار، قادر به تأمین هزینه‌های وکالت نیستند. حتی در کشورهایی که خدمات حقوقی رایگان ارائه می‌شود، این خدمات ممکن است ناکافی یا بی کیفیت باشند. در نتیجه، پناهندگان و پناهجویان در یافتن وکیل مناسب با مشکل جدی مواجه می‌شوند و این امر به عمیق تر شدن بی عدالتی‌ها منجر می‌شود.

چالش‌های دسترسی به وکیل و مشاور حقوق مؤثر برای پناهندگان و پناهجویان در ایران

چالش‌های عمده‌ای در زمینه دسترسی پناهندگان و پناهجویان به وکیل در ایران وجود دارد: پناهندگان به دلیل شرایط خاص و پیچیده‌ای که در آن قرار دارند، غالباً از حقوق قانونی خود و حق دسترسی به وکیل آگاه نیستند. این عدم آگاهی می‌تواند منجر به نادیده گرفته شدن حقوق آن‌ها و عدم دسترسی به عدالت شود.

بسیاری از پناهندگان به خدمات مشاوره حقوقی دسترسی ندارند. ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری به حق معرفی وکیل اشاره دارد، اما در مواردی که پناهندگان از نظر مالی توانایی تأمین وکیل را ندارند، این حق به طور کامل محقق نمی‌شود. شرایط دشوار و ترس از بازگشت به کشور خود می‌تواند باعث شود که پناهندگان نتوانند به درستی از حقوق خود دفاع کنند یا از مشاوره حقوقی بهره‌مند شوند. طبق ماده ۱۶ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان، هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاقد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه کند و از معاضدت قضایی بهره‌مند شود. این کنوانسیون بر عدم تبعیض و تضمین حقوق بشر تأکید دارد و باید به طور مؤثر در ایران اجرا شود (Samimi, 2022).

کمیساریای عالی پناهندگان نقش مهمی در این خصوص در ایران داشته است. این کمیساریا، پروژه خدمات حقوقی را با هدف ارائه کمک‌های حقوقی به پناهندگان در ایران و حل و فصل اختلافات از طریق سازوکار جایگزین حل اختلاف از سال ۲۰۲۱ در ایران اجرا کرد. وکلای استخدامی کمیساریا به پناهندگان مشاوره و کمک حقوقی رایگان ارائه می‌دهند و کمیته‌های حل اختلاف به پناهندگان در یافتن راه حل و فیصله اختلافات حقوقی خود از طریق سازوکار میانجیگری و مشاوره کمک می‌کنند. کمیته‌های حل اختلاف سازوکار جایگزینی برای حل اختلاف بوده که برای پناهندگان دسترسی راحتی را به محکمه فراهم می‌کنند. جایی که در مقایسه با سیستم قضایی موجود، مسائل به سرعت و رایگان فیصله می‌یابند. در حال حاضر ۱۶ کمیته حل اختلاف و ۱۷ وکیل استخدامی کمیساریا در استان‌های مختلف از جمله تهران، قم، اصفهان، یزد، کرمان، فارس، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خوزستان، بوشهر، البرز، مرکزی، سمنان، قزوین، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و گلستان (گرگان و گنبد) به پناهندگان کمک می‌کنند. در سال ۲۰۲۲ میلادی، وکلای استخدامی کمیساریا به ۵,۹۰۵ نفر (۵۸۶۶ افغانستانی، ۳۰ عراقی و ۹ ملیت دیگر از جمله پاکستانی و

بنگلادشی) خدمات حقوقی ارائه کردند و کمیته‌های حل اختلاف پرونده ۱۳۸۰ فرد را بررسی کرده‌اند (کمیته‌های حل اختلاف فقط برای اتباع افغانستانی در دسترس است).

۲. راهکارها

وکلا و مشاوران حقوق بهترین یاریگران پناهندگان هستند (McConnachie, 2015) و به همین دلیل در اسناد بین‌المللی متعددی به حق دسترسی به خدمات حقوقی اشاره شده است (Tsourdi et al., 2015). عدم دسترسی پناهندگان و پناهجویان به وکیل و مشاور حقوقی مؤثر، چالشی است که نیازمند اقداماتی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی است. با توجه به مستندات قانونی و تجربیات جهانی، راهکارهای پیشنهادی در این سه بعد می‌تواند به بهبود شرایط دسترسی پناهندگان به نظام عدالت کیفری کمک کند.

بعد بین‌المللی

پناهندگان و پناهجویان در ابعاد بین‌المللی از کمترین دسترسی به خدمات وکالت بهره‌مند هستند. از طریق راهکارهای زیر می‌توان دسترسی بهتری به نظام عدالت کیفری برای پناهندگان و پناهجویان را فراهم کرد.

تضمین بهره‌مندی بدون تبعیض پناهندگان و پناهجویان از خدمات وکالت

لازم است کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق پناهندگان، از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن، به‌روز شوند تا به‌طور خاص دسترسی به وکیل را برای پناهندگان تضمین نمایند. تأکید بر حقوق دسترسی به وکیل باید در این معاهدات به‌وضوح ذکر شود. اصل برابری انسان‌ها که به ممنوعیت هرگونه تبعیض در برخورداری از حقوق منجر می‌شود، ریشه در کرامت ذاتی انسان دارد (Rasekh, 2003) و یکی از مهم‌ترین اصولی است که از ابتدای شکل‌گیری نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت، اصل برابری

انسان‌ها و یا همان ممنوعیت تبعیض در برخورداری از حقوق حمایتی است (Pupavac, 2001). دسترسی به خدمات وکالت نیز از جمله این حقوق است. یک راهکار اساسی برای تضمین دسترسی پناهندگان و پناهجویان به نظام عدالت کیفری، از بین بردن تبعیض در دسترسی به خدمات وکالت است که اصول کلی آن در اسناد بین‌المللی مهمی آمده است. در رأس این اسناد در سطح جهانی دو سند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند. همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر که امروزه بیشتر هنجارهای آن از رهگذر تبدیل به عرف بین‌الملل و حتی قواعد آمره، الزام آور محسوب می‌شوند (Bhalla, 2019). نقش مهمی در این خصوص دارند. نقض اصل عدم تبعیض به طور خاص در حوزه حقوق کیفری صورت می‌پذیرد و حمایت از پناهندگان و پناهجویان، به دلیل تخصصی بودن آن و همچنین نوع مراجع رسیدگی، نیازمند دسترسی پناهندگان و پناهجویان به خدمات وکالت بدون تبعیض است. تردیدی نیست که پناهجو یا پناهنده ای که در کشور دیگری و یا در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه می‌گردد و یا شکایتی را مطرح کرده است، بیشتر به وکیل نیاز دارد. تضمین حضور وکیل در پرونده‌های کیفری پناهندگان و پناهجویان

تضمین‌های لازم برای دفاع از افرادی که متهم به جرایم کیفری هستند و همچنین حق محاکمه بدون تأخیر، به‌طور خاص در معاهدات بین‌المللی، تصریح شده است (Namamian & Tayebi, 2008). در میان ضمانت‌های اساسی دفاع مناسب که در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» ذکر شده است، حق انتخاب وکیل و ارتباط مؤثر با او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حق به‌طور خاص در «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و در تشریح مفاهیم موجود در ماده ۱۱ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» مورد تأکید قرار گرفته است (Keshavarz, 2008).

تبدیل نشوند، عملاً بحث صلاحیت دیوان برای رسیدگی به آن‌ها منتفی است (Mousazadeh, 2017).

تاریخ حقوق بین‌الملل نشان‌دهنده مواردی است که در آن‌ها دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف به این نوع جرائم رسیدگی کرده‌اند. ریشه صلاحیت این دادگاه‌ها را می‌توان در دادگاه‌هایی جستجو کرد که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شدند. به عنوان مثال، در بخشی از حکم دادگاه نورنبرگ آمده است: «دولت‌های امضاءکننده که این دادگاه را تشکیل داده و قوانین و آیین دادرسی آن را تعیین کرده‌اند، در واقع به طور دسته‌جمعی کاری کرده‌اند که هر یک از آن‌ها به صورت مستقل می‌توانستند انجام دهند. تضمین حقوق از طریق ایجاد محاکم اختصاصی، از حقوق مسلم دولت‌هاست و در این مورد نیز دولت‌ها یک محاکمه منصفانه ترتیب داده‌اند.»

توجه به عبارات به‌کاررفته در این متن، از جمله «... در واقع به طور دسته‌جمعی کاری کرده‌اند که هر یک از آن‌ها مستقلاً می‌توانست انجام دهد...» یا «... تضمین حقوق از طریق ایجاد محاکم اختصاصی از حقوق مسلم دول است...»، نشان‌دهنده این است که این دادگاه حداقل به‌طور تلویحی به صلاحیت جهانی هر یک از دولت‌ها برای رسیدگی به جرائم جنگی و جنایات علیه بشریت اشاره کرده است. با وجود اینکه این اشاره ممکن است به‌روشنی نباشد، اما دادگاه‌های دیگری پس از جنگ نیز تشکیل شدند که به صراحت به اصل صلاحیت جهانی اشاره داشتند. جالب است که این دادگاه‌ها برخلاف دادگاه نورنبرگ، به صورت مستقیم و توسط دولت‌ها تشکیل شدند و در واقع نوعی دادگاه داخلی محسوب می‌شوند.

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی ذاتی، به‌طور واضح در دیباچه و همچنین در ذیل ماده ۱ خود بیان کرده است که صلاحیت این دیوان، نافی صلاحیت دادگاه‌های داخلی نیست. در دیباچه

در عین حال هیچ تضمین عملی در جهت اجرای این حقوق وجود ندارد و راهکار اساسی در این حوزه تضمین این حق برای پناهجویان و پناهندگان است.

تضمین استقلال وکلا در پرونده‌های پناهندگان و پناهجویان

استقلال نهاد وکالت یکی از ارکان اساسی نظام قضایی است که نه تنها به اعتبار نظام دادرسی مرتبط می‌شود، بلکه به رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت ذاتی انسان نیز ارتباط دارد (Hassanzadeh, 2018). رسیدگی به دعاوی کیفری پناهندگان و پناهجویان در محاکم کیفری بین‌المللی موضوعی مهم و پیچیده است. در برخی موارد، دعاوی کیفری مرتبط با پناهندگان و پناهجویان، چه به عنوان متهم و چه به عنوان شاکی و بزه‌دیده، در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی رسیدگی می‌شود. تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به روزهای پایانی جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد و توسعه این دادگاه‌ها و ظهور نسل‌های مختلف آن‌ها، از جمله رسیدگی به جرائم مرتبط با پناهندگان و پناهجویان، نشان‌دهنده اهمیت تربیت وکلای متخصص در این حوزه است.

حضور وکلای مدافع در این محاکم کیفری و دفاع از حقوق پناهندگان و پناهجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تأمین دسترسی این افراد به نظام عدالت کیفری، مستلزم وجود وکلای متخصص برای وکالت در این مراجع است. در حال حاضر، دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی تشکیل شده و نیازی به ایجاد دادگاه‌های موقت، همچون آنچه در یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاد، نمی‌باشد. بنابراین، بررسی جرائم بین‌المللی مرتبط با پناهندگان و پناهجویان، از جمله نسل‌کشی، عمدتاً در صلاحیت این دادگاه بین‌المللی قرار دارد.

همچنین، رسیدگی به جرائم بین‌المللی قراردادی نیز در صلاحیت کشورهای عضو معاهده مربوطه است و تا زمانی که این جرائم به یکی از چهار جرم مشمول ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

اساسنامه آمده است: «... با یادآوری این نکته که وظیفه هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی‌اند، اعمال نمایند.» همچنین، تصریح شده است: «دیوان بین‌المللی کیفری که به موجب این اساسنامه تأسیس می‌شود، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود.» در ذیل ماده ۱ نیز آمده است: «دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است».

با توجه به این نکات، با وجود تفاوت‌هایی که ممکن است بین جرائم بین‌المللی قراردادی وجود داشته باشد، اما هیچ مانعی برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی ذاتی از سوی دادگاه‌های داخلی کشورهای عضو وجود ندارد. بنابراین، تمامی جرائم بین‌المللی مرتبط با پناهندگان و پناهجویان می‌توانند تحت اصل صلاحیت جهانی یک دادگاه داخلی قرار گیرند. همچنین، از بند ۱ ماده ۶ پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری مصوب ۱۹۹۱ نیز این معنا استنباط می‌شود؛ به‌خصوص با توجه به عبارت «یافت شدن»، که نشان می‌دهد لازم نیست فرد مظنون در قلمرو آن کشور مرتکب جرم شده باشد یا جرمی علیه اتباع یا منافع حیاتی آن کشور صورت گرفته باشد.

با این حال، در مواردی که صلاحیت داخلی یک کشور برای رسیدگی به جرائم ارتكابی علیه یک پناهنده یا جرائم ارتكابی توسط یک پناهنده به هر دلیلی اجرا نمی‌شود و یک دادگاه کیفری بین‌المللی به موضوع رسیدگی می‌کند، وجود وکالت در این دادگاه برای تضمین حق دسترسی به وکالت برای پناهندگان ضروری می‌گردد.

نگرش جامع به موقعیت پناهندگان و پناهجویان در دادرسی کیفری

یکی از جنبه‌های مهم تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، وکالت در این مراجع در دعاوی کیفری مرتبط با پناهندگان و پناهجویان است. این وکالت دارای ضرورت‌هایی است؛ نخست از جهت دفاع

از پناهنده یا پناهجویی که در مقام متهم است و دوم از جهت تضمین حق مشارکت پناهندگان و پناهجویان به عنوان بزه‌دیده در فرآیند دادرسی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی.

آیین دادرسی و ادله اثبات این دیوان، مدیر اداری دفتر دادگاه را موظف می‌کند تا کلیه اقدامات لازم را برای اطمینان از رعایت حقوق دفاع انجام دهد. این وظایف شامل کمک به اجرای حق بهره‌مندی از مشاوره و معاضدت حقوقی، تأمین استقلال وکیل، تسهیل حفظ محرمانگی مکاتبات و مکالمات وکیل و موکل، ایجاد معیارها و آیین‌نامه‌های تعیین وکلای رایگان، و تهیه و نگهداری لیست وکلای واجد شرایط به این منظور است. همچنین، آماده‌سازی طرح کد رفتار حرفه‌ای برای وکلا جهت پیشنهاد به رئیس دیوان از دیگر وظایف مدیر دیوان می‌باشد. طبق مقدمه اساسنامه رم، کلیه دولت‌ها مکلف هستند صلاحیت خود را بر عاملان جنایات بین‌المللی اعمال کنند. در این راستا، طرفین دادرسی باید از حق داشتن وکیل برخوردار باشند. در سند مذکور و قوانین داخلی اکثر کشورها، حق داشتن وکیل به عنوان یکی از حقوق اساسی برای برقراری یک محاکمه عادلانه و حفاظت از حقوق پناهنده یا پناهجوی متهم مطرح شده است. در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، حق استفاده از معاضدت قضایی در مرحله تحقیقات بدون قید و شرط است (هرچند محدود به بازجویی است). اما در مرحله محاکمه، این حق تابع شرایطی است، از جمله اینکه منافع عدالت ایجاب کند که وکیل حضور داشته باشد. بدین ترتیب، حق داشتن وکیل ممکن است تحت تأثیر ماهیت رسیدگی قرار گیرد. جنبه دیگر حق تعیین وکیل، ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای وکلایی است که می‌خواهند در دادگاه حضور داشته باشند. از جمله این شرایط می‌توان به تسلط بر حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری و تجربه در دادگاه‌های کیفری اشاره کرد. عامل دیگری که می‌تواند در تأمین استقلال وکیل مؤثر باشد، احراز شایستگی‌های اخلاقی و صلاحیت‌های علمی و تجربی است. این موضوع نیز در مقررات

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی لحاظ شده است. بند ۱ ماده ۲۲ آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی بیان می‌کند که وکیل باید صلاحیت مسلم در حقوق بین‌المللی یا کیفری و آیین دادرسی داشته باشد، در عین حال با تجربه لازم به عنوان قاضی، دادستان، وکیل یا دیگر مناصب مشابه در دادرسی‌های کیفری آشنا باشد. در مقررات دادگاه‌های ویژه نیز شرایط وکیل به گونه دیگری اشاره شده است. بند الف ماده ۴۴ آیین دادرسی این محاکم شرط می‌کند که وکیل باید مدیر دادگاه را متقاعد کند که در یک کشور برای کار حقوقی معتبر شناخته شده و با یک استاد حقوق دانشگاه و عضو یک کانون وکلایی که در دادگاه مورد شناسایی مدیر است، مرتبط باشد (Razavi Fard & Dirbaz, 2013).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مراحل احراز صلاحیت وکلاء و انتخاب وکیل تحت نظارت و با دخالت مدیر دفتر اداری دادگاه انجام می‌شود. در حالیکه استقلال نهاد دفاع و وکلای مدافع از ارگان‌های اجرایی دادگاه و همچنین قضات یکی از عوامل مهم و ضروری برای تأمین دادرسی عادلانه است، سپردن سرنوشت حقوق متهمان به مدیر دفتر دادگاه و نظارت او بر فعالیت‌های مرتبط با دفاع می‌تواند با حقوق دادرسی عادلانه تعارض داشته باشد. بنابراین، ایجاد یک اداره مستقل برای دفاع ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تأمین دسترسی پناهندگان و پناهجویان، تضمین حق مشارکت آن‌ها در فرآیند دادرسی است. به‌طور معمول، در جرایمی که در دادگاه‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند، همه بزه‌دیدگان، از جمله پناهندگان و پناهجویان، قادر به مشارکت فعال در هرگونه فرآیند نیستند، اما باید امکان چنین مشارکتی فراهم شود.

دیوان کیفری بین‌المللی با پشتیبانی سازمان‌های حقوق بشری و حمایت از قربانیان و همچنین تحت تأثیر دکترین مدعی خصوصی، گامی جسورانه در مسیر شناسایی حقوق بزه‌دیدگان برداشته است.

هرچند امکان شرکت قربانیان در دادرسی به عنوان حق طرح دعوی در دادگاه محسوب نمی‌شود و نمی‌توان از شکل‌گیری مدعی خصوصی صحبت کرد، اما این امر نسبت به سیستم کامن لا که آیین دادرسی محاکم ویژه‌ی یوگسلاوی و رواندا را سامان‌دهی می‌کند، یک تحول واقعی به‌شمار می‌رود (Mekjiant & Mathew, 2005). یکی از مهم‌ترین حقوق اعطا شده به بزه‌دیدگان، حق مشارکت در دادرسی‌های مرتبط با وضعیت‌ها و پرونده‌های مطرح نزد دیوان است. لوک والین در نخستین اظهارات خویش در برابر دیوان در جلسه‌ی تأیید اتهامات توماس لوبانگا خاطرنشان کرد: «امروز برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی، بزه‌دیدگان می‌توانند نظرات و دل‌نگرانی‌های خویش را از طریق وکلای خود ابراز نمایند، امروز آن‌ها می‌توانند از خود بگویند (Will, 2007). اساسنامه‌ی رم تعریفی از "مشارکت" ارائه نکرد و به همین دلیل، ابهاماتی در مورد گستره مفهوم این واژه و حقوق ناشی از آن مطرح شد. مقررات دیوان از دو واژه‌ی "مشارکت‌کننده" و "طرف" برای "بزه‌دیده" استفاده کرده‌اند. اگر قربانی یکی از طرفین دعوی باشد، از حقوق مشخصی مانند حق ارائه‌ی مدرک یا جرح و تعدیل شاهد برخوردار خواهد بود، اما اگر یک مشارکت‌کننده باشد، از همان حقوقی بهره‌مند خواهد بود که دیوان برای وی پیش‌بینی کرده است (Bassiouni, 2006). با تعریفی که "بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان" ارائه کرد، این ابهام‌ها برطرف شد. به موجب این تعریف، مشارکت در دادرسی به معنای امکان ابراز دیدگاه‌ها و دل‌نگرانی‌های بزه‌دیدگان به‌طور مستقیم نزد دادرسان دادگاه است.

مشارکت در دادرسی‌های دیوان معمولاً از رهگذر نمایندگان قانونی صورت می‌پذیرد. بزه‌دیدگان در صورتی می‌توانند به عنوان مشارکت‌کننده در دیوان حضور یابند که تشریفات پیش‌بینی شده در اسناد را رعایت کنند. تشریفات بهره‌مندی از حق مشارکت دیوان به منظور اعطای حق مشارکت به قربانیان شرایطی را مقرر

کرده است. روند اعمال این حق در دو مرحله قابل بررسی است: ابتدا، درخواست مشارکت در دادرسی لازم است.

نکته‌ی مهم، موضوع برخورد و تضاد منافع و نگرانی‌های بزه‌دیده با منافع و نگرانی‌های متهم است. هر چند اصل رفتار منصفانه ایجاب می‌کند که حقوق مشخصی به مثابه آنچه متهمان بر پایه‌ی اصل دادرسی عادلانه از آن بهره‌مندند، برای بزه‌دیدگان نیز فراهم شود، نباید فراموش کرد که به رسمیت شناختن این حقوق نباید منجر به نادیده انگاشتن و پایمال کردن حقوق متهمان شود. در مورد پناهندگان و پناهجویان، در اغلب موارد امکان مشارکت مستقیم برای خود آن‌ها وجود ندارد و باید فضایی فراهم شود که وکلای آن‌ها امکان مشارکت در دادرسی را داشته باشند. دادگاه می‌تواند با مساعدت رئیس دفتر دادگاه از تمام قربانیان یا گروه خاصی از بزه‌دیدگان درخواست نماید که نماینده یا نمایندگان مشترکی را برگزینند. رأی شعبه در این باره می‌تواند همزمان با تصمیم‌گیری در مورد درخواست قربانی یا قربانیان برای مشارکت در دادرسی‌ها صادر شود.

تربیت وکلای متخصص در امور پناهندگان و پناهجویان

این یک واقعیت است که هر وکیلی نمی‌تواند، وکیل پناهندگان و پناهجویان باشد. برای اینکه وکیلی در امور کیفری در راستای تأمین دسترسی پناهندگان و پناهجویان به نظام عدالت کیفری، تربیت شود، بایستی به مولفه‌های ذیل توجه داشت. معمولاً موقعی احتیاج به دخالت وکیل دادگستری در حمایت از پناهندگان و پناهجویان پیش می‌آید که جرمی علیه یک پناهنده و یا پناهجو ارتکاب یافته است. وکیلی که وکالت این پناهجو یا پناهنده را بر عهده می‌گیرد، حتماً باید دارای روحیه و سرشتی مبارز و مقاوم باشد. اضافه بر این، غالباً انجام وظیفه وکیل دادگستری در قبول وکالت پناهندگان و پناهجویان، مستلزم جسارت و شجاعت و شهامت خاص است. مثلاً گاهی مجبور می‌شود بر علیه تصمیم یکی از مقامات عمومی نسبت به پناهندگان به اعتراض برخیزد. یا ناچار

می‌شود که صریحاً در مقابل افکار عمومی که بر علیه پناهنده یا پناهجو تحریک شده است ایستادگی کند، یا با افکار و عقاید و احساسات اطرافیان و محیط خود که علیه پناهنده یا پناهجو است به طور مصمم مخالفت ورزد. در این قبیل موارد، وکیل مدافع باید آن‌قدر شهامت اخلاقی داشته باشد که از هیچ چیز نهراسد و وظیفه خود را هر چند مخاطره‌آمیز باشد بدون تشویش و تردید و تزلزل انجام دهد، و افتخار استقلال فکر و آزادی دفاع را که از خصوصیات وکالت دادگستری است برای خود کسب کند. در محاکم سایر کشورها و یا در محاکم بین‌المللی این استقلال نشان دهنده استقلال نظام قضایی است که وکیل در آن پرورش یافته است؛ زیرا هر قدر انجام وظیفه برای کسانی که با مسیر حوادث و افکار عمومی همراهی و همگامی می‌کنند آسان و سهل است به همان نسبت مبارزه در جهت خلاف افکار و احساسات عمومی نسبت به پناهندگان سخت و مشکل می‌باشد.

وکیلی که عهده دار وکالت پناهندگان و پناهجویان می‌شود، علاوه بر اطلاعات حقوقی از نظام حقوقی کشور خود بایستی در حوزه‌های حقوق پناهندگان و حقوق کیفری بین‌المللی و جزای بین‌المللی، از اطلاعات اولیه مناسبی برخوردار باشد. استعداد و قریحه ذاتی یک وکیل دادگستری باید به وسیله اطلاعات عمومی وسیع و مطالعات حقوقی عمیق تکمیل شود. زیرا، تقریباً کلیه اختلافاتی که از زندگی در اجتماع ناشی می‌شود، با دادگاه سروکار پیدا می‌کنند و طرفین دعوی مجبورند به وکیل دادگستری مراجعه کنند. و چون وکیل باید دعاوی موکلش را برای دادرسان دادگاه توضیح و تشریح کند، تا وقتی خودش موضوع دعوی را خوب نفهمیده باشد قادر نیست که منظورش را به دیگران تفهیم کند. لذا باید نسبت به کلیه معلومات بشری اطلاعات کلی و عمومی داشته باشد.

قبول وکالت پناهندگان و پناهجویان، مستلزم زحمت و سعی و کوشش فراوان است و شکست و عدم موفقیت بسیار نیز در انتظار

تصویب قوانین خاص

دولت‌ها باید قوانین خاصی را برای تضمین دسترسی پناهندگان و پناهجویان به نظام عدالت کیفری تصویب کنند. این قوانین باید تمامی مراحل دادرسی و حقوق مرتبط با پناهندگان، از جمله حق مشاوره و دسترسی به وکیل را مشخص نمایند. در این بین ایجاد سیستم قضائی رایگان یا با هزینه پایین برای پناهندگان و پناهجویان، به‌ویژه برای آن‌ها که قادر به پرداخت هزینه‌های وکالت نیستند، راهکار بسیار مناسبی است.

پیش‌بینی نظام آموزشی وکالت برای وکلای پناهندگان و پناهجویان

با توجه به اینکه پذیرش وکالت پناهندگان و پناهجویان در امور کیفری، نیازمند توانایی‌های خاصی می‌باشد. لازم است تا برای وکلایی که علاقه مند به وکالت در امور کیفری در امور کیفری پناهندگان و پناهجویان هستند، در نظام‌های آموزشی تخصصی هدفمند، آموزش‌های لازم ارائه گردد. در این خصوص نقش تشکیلات جهانی وکلا از یک طرف، دانشکده‌های حقوق از طرف دیگر و مراجع کیفری بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. وکلایی که در امور کیفری پناهندگان و پناهجویان به وکالت می‌پردازند بایستی حتماً با قواعد ماهوی و شکلی دادگاه رسیدگی کننده آشنایی و بلکه تسلط داشته باشند.

تأسیس نهادهای مستقل حقوقی

تأسیس نهادهایی که به‌طور خاص به مشاوره حقوقی و حمایت از پناهندگان اختصاص یافته‌اند. این نهادها می‌توانند شامل کارشناسان حقوقی و وکلای مختص به امور پناهندگی باشند که تجارب کافی در این حوزه داشته باشند.

بعد کشور ایران

در ایران، پناهندگان و پناهجویان از دسترسی مناسب به وکلای مستقل محدودیت‌هایی دارند و به دلیل فقدان آگاهی از حقوق خود و پیچیدگی‌های سیستم حقوقی، مشکلات زیادی را تجربه

وکیل دادگستری می‌باشد. زیرا همین‌قدر کافی است بدانیم که چون هر دعوی دو طرف دارد و هر دو طرف نیز وکیل دارند بنابراین هر وکیل در هر پرونده پنجاه درصد بیم شکست و عدم موفقیت دارد. اگر وکیل حساس و تازه‌کار و ضعیف باشد ممکن است این شکست‌ها او را مأیوس و دلسرد سازد و امید موفقیت‌های آینده را نیز از دست بدهد. از طرف دیگر این نکته نیز مسلم است که، به جز در موارد استثنائی، همیشه موفقیت و شهرت و معروفیت یک وکیل خیلی دیر و در طول زمان به دست می‌آید و بدین ترتیب صبر و تحمل و خونسردی نیز از لوازم این شغل محسوب می‌شود. وکیلی که وکالت یک پناهنده و یا پناهجو را در یک کشور خارجی و یا در یک دادگاه کیفری بین‌المللی بر عهده می‌گیرد، بایستی به خوبی با زمان محاوره ای و رسمی مرجع رسیدگی کننده خارجی و یا بین‌المللی آشنا باشد. می‌دانیم که گفتار و نوشتار وکیل وسایل اصلی وی در دفاع از موکلش می‌باشد. در نتیجه حداقل انتظاری که از این وکیل می‌رود این است که به زبان محاوره ای و رسمی دادگاه و مرجع رسیدگی کننده تسلط داشته باشد.

ایجاد نهادهای بین‌المللی

تأسیس نهادها و سازمان‌های مستقل بین‌المللی با هدف نظارت بر رعایت حقوق پناهندگان و حمایت از دسترسی آن‌ها به وکلای قانونی و مؤثر. این نهادها می‌توانند در وضع قوانینی با همکاری دولت‌ها و نهادهای غیردولتی به افزایش آگاهی و دسترسی به وکالت کمک کنند. استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر و پناهندگان برای فراهم کردن خدمات حقوقی و حمایتی. این سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد شبکه‌های ارتباطی و علمی برای وکلا، خدمات مشاوره حقوقی را تسهیل کنند.

بعد نظام‌های ملی

برای تضمین دسترسی پناهندگان به عدالت کیفری در بعد ملی و در کشورهای میزبان، می‌توان چندین راهکار مؤثر را پیشنهاد داد.

می‌کنند. حمایت‌های قانونی برای این افراد به‌ویژه در حوزه خدمات وکالت جامع و نظام‌مند نیست و بسیاری از پناهندگان نمی‌دانند چگونه می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند. پرونده‌های قانونی برای پناهجویان، به دلیل دیوانسالاری و پیچیدگی‌های اداری، عموماً طولانی و دشوار است و آن‌ها ممکن است در برقراری ارتباط با سیستم قضائی با موانع زبانی و فرهنگی مواجه شوند. سازمان‌های غیردولتی نیز در ارائه خدمات حقوقی به پناهندگان فعال هستند و تلاش می‌کنند خدمات مشاوره‌ای و وکالت رایگان یا کم‌هزینه‌ای را فراهم کنند. با این حال، بسیاری از پناهندگان از حقوق قانونی خود بی‌اطلاع هستند و این مسئله می‌تواند به محدودیت دسترسی آن‌ها به خدمات وکالت منجر شود. علاوه بر این، فشارهای اقتصادی نیز مانع دیگر است، زیرا هزینه‌های خدمات وکالت برای بسیاری از پناهندگان قابل پرداخت نیست. به‌طور خلاصه، دسترسی پناهندگان و پناهجویان به خدمات وکالت در ایران ضعیف است و برای بهبود این وضعیت، نیاز به اقداماتی جدی و بازنگری در سیستم‌های حمایتی وجود دارد.

تقویت جایگاه وکالت

به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. حق دفاع را می‌توان از جمله حقوق فطری دانست و در اجرای کامل عدالت در هر دعوایی در گرو امکان استفاده طرفین دعوا از امکانات دفاعی برابر است، وکالت ابزاری است برای تحقق این هدف و تأمین دادگستری عادلانه که آخرالامر به ارضای میل عدالت‌خواهی بشر منجر گردیده است.

در جایگاه شأن و منزلت وکیل همین بس که یک بازوی قوی و تخصصی در امر قضاوت برای تأمین عدالت جامعه به شمار می‌رود و این سخن گزافه نیست «فرشته عدالت با دو بال «وکالت» و

«قضاوت» قادر به پرواز است. « بهترین تعبیر را می‌توان از این ارتباط تنگاتنگ وکالت با تأمین عدالت در جامعه برشمرد. از این رو وکالت در دعاوی را از زمان‌های بسیار دور در نهاد دادرسی محاکم دادگستری در جوامع بشری یاد کرد.

«وکیل دادگستری» از جهت رفع پاره‌ای از مشکلات دادگاه‌ها و جلوگیری از ازدحام مردم در محاکم دادگستری و نیز نقش اساسی و مؤثر در اخذ تصمیم سازی مناسب قضات رسیدگی‌کننده پرونده به دلیل بررسی دقیق از موضوع دعوا در قوانین مربوط، نقشی فعال در اجرای عدالت جامعه دارد. در این راستا نقش بنیادین حضور وکیل مدافع در دادگستری مورد توجه و اعتراف کلیه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. به طوری که در قوانین بیشتر کشورها حضور وکیل مدافع در جلسات دادرسی ضروری دانسته شده است، از جمله می‌توان کشور فرانسه را نام برد که در ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «متهم یا شاکی خصوصی را جز در مواردی که به صراحت از آن صرف‌نظر نمایند، فقط در حضور وکلای آن‌ها یا پس از دعوت از وکلا طبق ضوابط قانونی می‌توان مورد تحقیق یا مواجهه قرار داد.» در تضمین اجرای این ماده و بندهای ۲ و ۳ آن، به مقام تحقیق تکلیف کرده است، وکلای طرفین را حداقل پنج روز کاری قبل از هر تحقیق یا استماع باید از طریق اختاریه دعوت و پرونده مربوط حداقل در چهار روز کاری (اداری) قبل از اجرای تحقیق و استماع در اختیار وکیل مدافع متهم قرار دهد.» (Ghary Seyyed Fatemi, 2010).

حق داشتن وکیل برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم تا صدور و اجرای حکم از مهم‌ترین تضمینات حقوق متهم یا بزه‌دیده است که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ به آن مهم توجه ویژه و وضع نموده است تا متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل حقوقی است از داشتن وکیل برخوردار باشد. هم‌چنین ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۱ مهر ۱۳۷۰ ش مجمع تشخیص

آموزش‌ها می‌توانند توسط کانون وکلای دادگستری، مرکز وکلا و مؤسسات دانشگاهی برگزار شوند. برگزاری دوره‌های تخصصی برای وکلا در خصوص حقوق پناهندگان و چالش‌های خاص آن‌ها در نظام قضائی کشور می‌تواند راهگشای بهبود شرایط حقوقی این گروه‌های آسیب‌پذیر باشد. این آموزش‌ها اهداف متعددی دارند، از جمله افزایش آگاهی وکلا از حقوق بین‌المللی و ملی پناهندگان و پناهجویان، بررسی چالش‌های خاصی که این افراد در سیستم قضائی با آن‌ها مواجه هستند (مانند مشکلات زبانی، فرهنگی و دیوان‌سالاری)، و توسعه مهارت‌های عملی وکلا برای حمایت مؤثر از پناهندگان. سازمان‌های مختلفی مانند کانون وکلای دادگستری، مرکز وکلا و مؤسسات دانشگاهی می‌توانند به عنوان نهادهای اصلی برگزاری این دوره‌ها عمل کنند. کانون وکلای دادگستری می‌تواند با همکاری گروه‌های حقوق بشری و سازمان‌های غیر دولتی، برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای را فراهم کند. همچنین، دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد سمینارها و دوره‌های آموزشی، به گسترش دانش وکلا در زمینه حقوق پناهندگان کمک کنند و از ظرفیت‌های علمی خود بهره‌برداری کنند. مزایای برگزاری این دوره‌ها شامل افزایش کیفیت خدمات حقوقی، حمایت مؤثرتر از حقوق پناهندگان و گسترش شبکه‌های همکاری میان وکلا، سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مرتبط است. به‌طور کلی، این آموزش‌ها می‌توانند به بهبود شرایط حقوقی و کیفیت خدمات ارائه شده به پناهندگان کمک کنند و در نهایت به اعتبار و ارزش حرفه وکالت بیفزایند.

ایجاد سهمیه وکالت رایگان پناهندگی

کانون وکلا و مرکز وکلا می‌توانند برای هر وکیل یک سهمیه وکالت رایگان برای پناهندگان نیازمند به خدمات وکالت در نظر گیرند. کانون وکلا و مرکز وکلا می‌توانند با در نظر گرفتن سهمیه وکالت رایگان برای هر وکیل، به بهبود دسترسی پناهندگان نیازمند به خدمات وکالت کمک شایانی کنند. این اقدام می‌تواند موجب

مصلحت نظام مقرر داشته است: «اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل را دارند و همه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند، مکلف به پذیرش وکیل هستند.» و نیز بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ ش بیان می‌دارد: «محاکم و دادرها مکلف‌اند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کنند و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.»

علاوه بر قوانین از پیش‌گفته شده، قانون‌گذار در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در باب وکالت و وکیل دادگستری و همچنین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی توجهی ویژه به این مهم داشته است، این موضوع بیانگر اهمیت و ضرورت جایگاه وکیل در نظام حقوقی کشور ایران اسلامی به شمار می‌رود. قبول پناهندگان در یک کشور مستلزم، ارائه خدمات حقوقی به آن‌هاست (Heshmati Eysalou, 2020) و دولت در این خصوص نقش مهمی دارد. با عنایت به ضرورت حضور وکیل دادگستری در نهاد دادرسی محاکم دادگستری در مقام دفاع و دادخواهی باید اذعان نمود که حضور وکیل موجب آرامش خاطر موکل و احقاق حق وی خواهد شد، از این‌رو استقلال نهاد کانون وکلای دادگستری حفظ و به دور از مداخله دستگاه‌های حکومتی و قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) امری ضروری است.

فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی

ارتقای فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی که به ارائه خدمات حقوقی و مشاوره حقوقی برای پناهندگان پردازند. این نهادها باید بتوانند به صورت قانونی و با هماهنگی دولت، کمک‌های حقوقی را فراهم آورند.

آموزش وکلا در زمینه حقوق پناهندگان

برگزاری دوره‌های تخصصی برای وکلا در خصوص حقوق پناهندگان و چالش‌های خاص آن‌ها در نظام قضائی کشور. این

افزایش دسترس‌پذیری خدمات حقوقی برای پناهندگان شود و به آن‌ها این امکان را بدهد که بهتر حقوق خود را بشناسند و از آن دفاع کنند. همچنین، با تعیین سهمیه وکالت رایگان، وکلا تشویق می‌شوند تا در امور انسانی و حقوق بشری بیشتری مشارکت داشته باشند و حس مسئولیت اجتماعی بیشتری را در خود پرورش دهند. این برنامه می‌تواند به افزایش آگاهی وکلا درباره حقوق پناهندگان و چالش‌های خاص این گروه کمک کند و حس همبستگی و همیاری را در جامعه تقویت نماید. با ارائه فرصت‌های بیشتر برای وکالت رایگان، وکلا می‌توانند تجربه بیشتری در این حوزه کسب کرده و توانمندی‌های خود را توسعه دهند. برای اجرایی کردن این طرح، کانون وکلا و مرکز وکلا می‌توانند یک سیستم ثبت‌نام راه‌اندازی کنند تا وکلا علاقه‌مند به ارائه خدمات رایگان شناسایی شوند و همچنین برنامه‌های آموزشی درباره حقوق پناهندگان و چالش‌های آن‌ها برگزار کنند. علاوه بر این، تأسیس سازوکارهایی برای نظارت بر کیفیت خدمات ارائه شده و ارزیابی تأثیرات این برنامه‌ها بر زندگی پناهندگان می‌تواند به موفقیت این طرح کمک کند. در نهایت، این اقدام نه تنها به پناهندگان کمک می‌کند تا از حقوق قانونی خود دفاع کنند، بلکه می‌تواند به بهبود فرهنگ وکالت در جامعه و ایجاد شبکه‌های حمایت مؤثر نیز منجر شود.

نتیجه‌گیری

پناهندگان و پناهجویان به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر در جوامع مدرن با چالش‌های قابل توجهی در دسترسی به خدمات وکالت و حقوقی مواجه هستند که این چالش‌ها می‌تواند به تبعات جدی در نظام عدالت کیفری منجر شود. عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در این زمینه، موانع فرهنگی و زبانی، نبود شبکه‌های حمایتی مؤثر و ناتوانی نظام‌های ملی در تأمین حق دسترسی به وکیل، از جمله مشکلاتی هستند که این افراد با آن مواجه‌اند. چالش‌های موجود نشان دهنده ضرورت توجه به حقوق پناهندگان و پناهجویان در نظام‌های ملی و بین‌المللی است. عدم وجود

شبکه‌های حمایتی موجب می‌شود که بسیاری از پناهندگان از حقوق ابتدایی خود بی‌اطلاع باشند و به همین دلیل فرصت‌های قانونی را از دست بدهند. در این راستا، برنامه‌ریزی برای تربیت وکلای متخصص در امور پناهندگان و ایجاد نهادهای مستقل حقوقی نیز از الزامات اساسی به شمار می‌رود. راهکارهای متعددی برای بهبود دسترسی پناهندگان و پناهجویان به خدمات وکالت پیشنهاد شده است که شامل بعد بین‌المللی و نظام‌های ملی و ویژه کشور ایران می‌شود. در بعد بین‌المللی، تضمین بهره‌مندی بدون تبعیض از خدمات وکالت می‌تواند به افزایش آگاهی و دسترسی این افراد کمک کند. به علاوه، تضمین حضور وکیل در پرونده‌های کیفری و استقلال وکلا به عنوان ضمانت‌هایی برای حفاظت از حقوق پناهندگان بسیار اهمیت دارد. در سطح نظام‌های ملی، تصویب قوانین خاص و پیش‌بینی نظام آموزشی وکالت برای وکلای مربوط به پناهندگان می‌تواند به یکپارچگی و کارآمدی خدمات حقوقی کمک کند. تأسیس نهادهای مستقل حقوقی و تقویت همکاری میان نهادهای دولتی و غیردولتی نیز از دیگر راهکارهای مؤثر می‌باشد. در کشور ایران تقویت جایگاه وکالت و حمایت‌های قانونی محیطی را برای پناهندگان فراهم خواهد کرد. فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی و برنامه‌های آموزشی برای وکلا در زمینه حقوق پناهندگان از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش چالش‌های موجود کمک کند. همچنین، ایجاد سهمیه وکالت رایگان برای پناهجویان می‌تواند فرصت‌های برابر را برای این افراد فراهم نموده و به بهبود دسترسی آن‌ها به خدمات حقوقی کمک شایانی کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The issue of access to legal representation for refugees and asylum seekers within the criminal justice system has increasingly gained attention due to its direct impact on fundamental human rights and legal security. Refugees and asylum seekers are among the most vulnerable populations worldwide, often displaced due to persecution, armed conflict, or economic collapse (Mousazadeh & Azarpendar, 2018). The legal distinction between these two groups—where asylum seekers await formal refugee status recognition and refugees already hold such status—affects their access to rights and services, including legal aid (Asylum Seeker Resource Centre, 2021). Within host countries, they frequently encounter systemic barriers that hinder their ability to assert their rights effectively. These challenges include a lack of legal knowledge, linguistic and cultural differences, and unfamiliarity with judicial systems (Siegel, 2016). Furthermore, financial instability often prevents these individuals from affording legal counsel, and this situation is exacerbated by restrictive immigration laws, bureaucratic inefficiencies, and the limited availability of public defenders or legal aid services in host nations (Clear & Frost, 2015). The problem is not merely procedural but also structural, rooted in insufficient domestic legal frameworks that fail to align with international standards for refugee protection, thereby deepening the vulnerability of these individuals within legal systems that are meant to safeguard their rights.

In exploring these challenges, this study employed a descriptive-analytical method using a comprehensive review of library-based sources, focusing on national and international legal instruments, comparative jurisprudence, and relevant institutional practices. Refugees' right to legal representation is enshrined in several key international documents, such as the 1951 Refugee Convention, which in Article 16

provides for access to courts and legal assistance (Tsourdi et al., 2015). Similarly, the International Covenant on Civil and Political Rights, in Article 14, affirms the right to legal defense, a principle that must be extended to all individuals, including refugees. Despite these binding obligations, states often fail to meet the minimum standards for fair legal treatment of displaced persons. The study identifies critical barriers such as inadequate incorporation of these norms into domestic law (Keyhanlou, 2011), and insufficient budget allocations for public legal services. Cultural and linguistic gaps further complicate communication between refugees and legal practitioners, impeding trust and understanding, which are crucial for effective representation. Moreover, the absence of coordinated legal aid networks and non-governmental support structures means that many refugees remain unaware of their rights and how to claim them (Blake, 2020; Simeon, 2010). In Iran, specific challenges persist due to systemic gaps in national legislation, bureaucratic inefficiencies, and a lack of specialized legal support structures for refugees, despite formal commitments to human rights treaties (Samimi, 2022).

The study's findings emphasize the importance of multi-tiered interventions that encompass international, national, and local frameworks. At the international level, key steps involve amending and updating international treaties, particularly the 1951 Convention and its 1967 Protocol, to explicitly recognize the right of refugees and asylum seekers to legal representation without discrimination. The principle of non-discrimination, rooted in human dignity and codified in major human rights instruments such as the Universal Declaration of Human Rights and the two international covenants, must be interpreted to include access to legal aid (Bhalla, 2019; Pupavac, 2001). Practical measures include ensuring that states provide

legal aid to refugees irrespective of nationality or immigration status and guaranteeing the presence of trained legal counsel during all stages of the criminal justice process (Keshavarz, 2008; Namamian & Tayebi, 2008). Additionally, the independence of legal professionals must be protected to avoid undue influence by state authorities or judicial actors (Hassanzadeh, 2018). On a more institutional level, the presence of lawyers in proceedings before international criminal courts, such as the International Criminal Court (ICC), is essential to safeguarding refugees' rights as both defendants and victims (Mousazadeh, 2017). The ICC has emphasized the necessity of ensuring victim participation in trials, which includes refugee victims, by enabling them to present their views and concerns through legal representatives (Bassiouni, 2006; Will, 2007).

At the national level, the research recommends the creation and reinforcement of legal mechanisms that guarantee refugee access to legal services. This includes passing specific legislation aimed at institutionalizing free or subsidized legal services for refugees, especially those involved in criminal cases. In Iran, for instance, although the Constitution affirms the right to legal counsel for all defendants, this is not always effectively implemented in the case of refugees due to administrative bottlenecks and budgetary constraints (Ghary Seyyed Fatemi, 2010). Furthermore, the study underlines the need for legal institutions to develop specialized training programs for lawyers focusing on refugee law, international criminal law, and human rights law. The unique psychological, social, and legal circumstances of refugees require lawyers with a specialized skill set, including linguistic proficiency and cultural sensitivity. These skills are especially relevant in adversarial judicial systems where effective advocacy can significantly impact case outcomes. International jurisprudence

underscores the necessity for trained counsel, especially in cases involving crimes against humanity or war crimes, where refugee victims or defendants are involved (Razavi Fard & Dirbaz, 2013). The authors propose mandatory legal clinics in law schools, supervised by expert faculty, as a long-term solution to bridge the gap between legal theory and practice in refugee representation.

A particularly innovative proposal discussed is the establishment of free legal representation quotas within national bar associations. This could be operationalized through regulations requiring licensed attorneys to accept a minimum number of pro bono refugee cases annually. Not only would this increase the availability of legal aid, but it would also encourage the legal community to become more engaged in humanitarian law. In tandem with such structural reforms, NGOs must be empowered to act as intermediaries between refugees and the legal system. They can offer preliminary legal counseling, assist in the preparation of documents, and refer cases to qualified attorneys. Collaborative partnerships between bar associations, universities, and civil society organizations are thus essential for building a sustainable support network. In Iran, such collaborations have already yielded results through UNHCR-backed initiatives involving dispute resolution committees and contracted lawyers operating across various provinces. These committees have provided legal assistance to thousands of refugees, demonstrating the feasibility and impact of coordinated legal interventions when backed by international institutions and national commitment.

The implications of the study are significant not only for legal scholars and policymakers but also for humanitarian practitioners, immigration authorities, and civil society advocates. The multifaceted nature of refugee legal issues demands a comprehensive response that integrates human rights law,

refugee law, and criminal justice procedures. Beyond theoretical commitments, the enforcement of international legal norms through domestic implementation is the true measure of a state's dedication to refugee protection. Without legal representation, refugees face heightened risks of detention, deportation, or unfair trials, which can lead to irreversible harm and systemic violations of international obligations. The criminalization of irregular migration further compounds these risks, making access to legal representation not merely a procedural right but a safeguard of human dignity and life. Thus, the authors argue that only through collaborative, sustained, and well-funded legal infrastructures can we uphold the principle of justice for all, particularly for those who lack the voice and means to defend themselves.

In conclusion, access to legal representation for refugees and asylum seekers is not just a legal imperative but a moral one. Addressing the challenges identified in this study requires a holistic approach that bridges legal theory and practice, integrates international norms with domestic laws, and prioritizes human dignity at every stage of the legal process. Legal aid must be recognized as a fundamental right, not a privilege, and efforts must be made to ensure that no individual is left without support in navigating the complexities of the criminal justice system. This is particularly vital for populations as vulnerable and marginalized as refugees and asylum seekers, whose ability to secure justice often hinges on the presence of an advocate willing and able to stand in their defense.

References

- Asylum Seeker Resource Centre. (2021). *Seeking Asylum, Our Stories*.
- Bassiouni, M. C. (2006). International Recognition of Victims'. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngl009>
- Bhalla, S. L. (2019). *Human Rights an Institution Framework for Implementaion*.
- Blake, M. I. (2020). *Justice, Migration, and Mercy*. Oxford University Press.
- <https://doi.org/10.1093/oso/9780190879556.01.0001>
- Clear, T. R., & Frost, N. A. (2015). *Contemporary Criminal Justice: Analyzing Crime and Public Policy*. Cengage Learning.
- Ghary Seyyed Fatemi, S. M. (2010). *Human Rights in the Contemporary World* (Vol. 2). Shahr-e Danesh Publishing.
- Hassanzadeh, Y. (2018). *The Right to Litigation and Its Position in Iranian Law*. Islamic Literature and Culture Publishing.
- Heshmati Eysalou, S. (2020). *Foundations of States' Obligations to Accept Refugees in Light of Human Rights*. Aghaei Publishing.
- Keshavarz, B. (2008). *Attorney, Preliminary Investigations, Professional Ethics: Collection of Articles on Defense Attorneys and Preliminary Investigations*. Gavaan Publishing.
- Keyhanlou, F. (2011). *Refugee Status: Theories and Practices*. Jangal Publishing.
- McConnachie, K. (2015). *Governing Refugees: Justice, Order and Legal Pluralism*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203426777>
- Mekjiant, G. J., & Mathew, C. V. (2005). Hearing The Victims' Voice: Analysis Of Victims' Advocate Participation In The Trial Proceeding Of The International Criminal Court. *International Law Review (PACE University)*, xvii(1).
- Mousazadeh, E. (2017). *Analysis of Refugee Rights in Domestic and International Law*. University of Tehran Publishing Institute.
- Mousazadeh, R., & Azarpendar, M. (2018). The Evolution of the Concepts of Refugee and Asylum Seeker. *Foreign Policy Journal*, 32(1).
- Namamian, P., & Tayebi, S. (2008). *Case Study of Defendant Rights in Iranian Criminal Trials and Comparison with Human Rights Conventions*. Gavaan Publishing.
- Pupavac, V. (2001). Misanthropy without Borders: The International Children's Rights Regime. *Disasters*, 25(2). <https://doi.org/10.1111/1467-7717.00164>
- Rasekh, M. (2003). *A Brief History of Legal Theory in the West*. Tarh-e No Publishing.
- Razavi Fard, B., & Dirbaz, M. (2013). Legal Protections for Victims by the International Criminal Court. *Criminal Law Research*, 2(3).
- Samimi, Y. (2022). *Refugee Rights from the Perspective of Human Rights*. Tafakkor Ayandehsaz Publishing.
- Siegel, L. J. (2016). *Criminal Justice*. Cengage Learning.
- Simeon, J. C. (2010). *Critical Issues in International Refugee Law: Strategies Toward Interpretative Harmony*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511762864>
- Tazreiter, C., & Weber, L. (2021). *Handbook of Migration and Global Justice*. Edward Elgar Publishing.

- Tsourdi, E., Gauci, J.-P., & Giuffré, M. (2015). *Exploring the Boundaries of Refugee Law: Current Protection Challenges*. Brill. https://doi.org/10.1163/97890004265585_012
- Will, M. (2007). A Balancing Act: The Interoduction Of Restorative Justice In The International Criminal Court's CASE Of The PROSECUTOR V. THOMAS LUBANGA DYILO. *Journal of Transnational Law and Policy*, 1.